



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته الهیات و معارف اسلامی

گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

بررسی مبانی فقهی استثنائات نگاه به نامحرم

از دیدگاه متأخرین

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسام الدین ربانی

دانشجو:

علی رضا ارمند جرجندی

دی ماه ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و سپاس:

سپاس و ستایش مر خدای را جل و جلاله که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تابان است و انوار حکمت او در دل شب تار، درفشان. آفریدگاری که خویشتن را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید.

سپاس‌گزاری:

با تشکر و امتنان بیکران از مساعدت‌های بی‌شائبه‌ی استاد دانشمند جناب آقای دکتر حسام‌الدین ربانی که در مدت زمان نگارش این پایان‌نامه از محضر پرفیض ایشان بهره‌ها برده‌ام.
و با تشکر خالصانه خدمت همه‌ی کسانی که به‌نوعی مرا در به انجام رساندن این مهم یاری نموده‌اند.

چکیده

از نظر فقه اسلامی نگاه کردن به نامحرم، حرام است. اما از این حرمت نظر استثنائاتی بیان شده که این استثنائات در بین فقها اختلافی بوده که برخی از آن استثنائات عبارت‌اند:

۱ - نگاه به وجه و کفین اجنبیه که متأخرین در این مورد قائل به این هستند. نگاه به وجه و کفین در صورتی جایز است که بدون تلمذ و ریبه باشد، اگرچه احوط را در ترک نظر به وجه کفین می‌دانند.

۲ - نگاه کردن مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد. برخی از علماء فقط نگاه به خصوص وجه و کفین را جایز می‌دانند و برخی از فقها نگاه کردن به همهی بدن اجنبیه به جز شرمگاه را جایز می‌دانند. البته این جواز نگاه به زن در مقام خواستگاری را فقها مشروط به شرایطی می‌دانند.

۳ - نگاه کردن به زنان مسن و پیر که امیدی به ترویجشان نیست. در اینجا بین علماء اعلام و بزرگان بحث و اختلاف وجود دارد که به برخی علمای جواز ابداء و نظر به ما عداى عورت نسبت داده شده و برخی از علماء فقط نگاه به مواضعی مانند مو، گردن، مقداری از سینه که خمار می‌پوشاند و آنچه چادر می‌پوشاند مانند ذراع می‌باشد.

۴ - نگاه کردن به اجنبیه در مقام شهادت خواه در مقام اداء شهادت و چه در مقام تحمل شهادت. اما بحث مهمی که در اینجا مطرح است این است که آیا شهادت رجال نامحرم حاجت است یا ضرورت. یعنی حاجت و نیاز است که شهادت رجال نامحرم را جایز می‌کند. با اینکه ضرورت اقتضاء می‌کند که رجال نامحرم در مقام شهادت این امور قرار بگیرند، در اینجا برخی از فقها تعبیر دعا الضرورة استفاده کردند و برخی دیگر از فقها تعبیر الحاجة را به کار برده‌اند.

۵ - نگاه کردن به اجنبیه در مقام معالجه و طبابت که البته در اینجا برخی فقها قائل به این می‌باشند که در صورت نبود پزشک مماثل، می‌توان به غیر مماثل رجوع کرد و برخی از فقها همانند آیت‌الله سیستانی ارفقیّت را شرط می‌دانند.

۶ - نگاه به زنان کفار و اهل کتاب و اهل ذمه که علماء اعلام نگاه کردن به زنان اهل ذمه بلکه مطلق کفار با نبود تلمذ و ریبه جایز می‌دانند.

۷ - حکم نگاه به زنان بادیه‌نشین «روستایی» کم حجاب و زنان بی بند و بار: بحث مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این هست که نگریستن به زنان بادیه‌نشین و روستایی بدون قصد تلمذ جایز است یا خیر؟ و یا اینکه حکم مزبور را به آن دسته از زنان شهرنشین که به لحاظ پوشش، وضعیتی مشابه با زنان بیابان‌نشین و یا بدتر از آن دارند

می‌توان تعمیم داد یا خیر؟ با دقت در کلام فقهای معاصر همچون حضرت آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله خوئی قائل به جواز نظر به زنان بی بند و بار می‌باشند؛ البته مشروط به اینکه با قصد لذت نباشد.

کلیدواژه‌ها: نظر، اجنبیه، وجه و کفین، مرأه، مستثنیات.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم	۰
۱/۱. کلیات تحقیق	۰
۱/۱/۱. طرح مسئله	۰
۱/۱/۲. اهمیت و ضرورت	۰
۱/۱/۳. سؤالات تحقیق	۰
۱/۱/۴. فرضیه تحقیق	۰
۱/۱/۵. پیشینه تحقیق	۱
۱/۱/۶. نوع و روش تحقیق	۱
۱/۲. مفاهیم تحقیق	۲
۱/۲/۱. حجاب	۲
۱/۲/۲. جلباب	۳
۱/۲/۳. خمار	۴
۱/۲/۴. محارم	۵
۱/۲/۵. تاریخچه حجاب	۶
۱/۲/۵/۱. حجاب در آئین زرتشت	۶
۱/۲/۵/۱/۱. پوشاک زرتشت	۸
۱/۲/۵/۱/۲. پوشاک فعلی زنان زرتشتی	۸
۱/۲/۵/۲. حجاب در آئین یهود	۸
۱/۲/۵/۲/۱. حجاب در کتاب مقدس «تورات»	۹
۱/۲/۵/۲/۲. قوانین حجب و حیا	۱۲
۱/۲/۵/۲/۳. قوانین حجاب زنان در تلمود	۱۴
۱/۲/۵/۲/۴. سیره عملی زنان یهودی	۱۷
۱/۲/۵/۳. حجاب در آئین مسیحیت	۱۸
۱/۲/۵/۳/۱. حجاب در انجیل مقدس	۱۹
۱/۲/۵/۳/۲. سیره عملی زنان مسیحی	۲۳

فصل دوم: ادله وجوب پوشش و حرمت نگاه نامحرم ۲۵

۲/۱. ادله و براهین قرآنی حرمت نگاه و وجوب پوشش اسلامی ۲۵

۲/۲. حریم روابط زن و مرد در روایات اسلامی ۳۵

۲/۲/۱. تعیین حدود حجاب زن ۳۵

۲/۲/۲. پرهیز از اختلاف زن و مرد ۳۶

۲/۲/۳. پرهیز از نگاه به نامحرم ۳۸

۲/۲/۴. پرهیز از دست دادن (مصاحفه. با جنس مخالف) ۳۸

۲/۲/۵. پرهیز از خود آرایی و استعمال عطر در خارج از خانه ۳۹

۲/۳. سیره عملی زنان مسلمان ۳۹

فصل سوم: بررسی مبانی استثنائات نگاه به نامحرم ۴۰

۳/۱. استثناء وجه و کفین ۴۰

۳/۱/۱. استدلال شیخ انصاری بر جواز نظر به وجه و کفین ۴۱

۳/۱/۲. اشکال محقق خوئی به استدلال شیخ انصاری ۴۱

۳/۱/۳. اشکال آیت الله سبحانی به محقق خوئی ۴۳

۳/۱/۴. بررسی نظریه فقهی صاحب جواهر ۴۴

۳/۱/۵. بررسی نظریه فقهی شیخ انصاری ۴۷

۳/۱/۶. نظر آیت الله سبحانی در رابطه ادله مجوزین و مانعین ۴۸

۳/۱/۷. نظر امام خمینی □ ۴۹

۳/۱/۸. نظر آیت الله سیستانی ۴۹

۳/۱/۹. نظر آیت الله بهجت ۴۹

۳/۲. حکم نگاه مرد به زن به قصد ازدواج ۵۰

۳/۲/۱. بیان اجماعی بودن مسئله ۵۰

۳/۲/۲. مستندات بحث ۵۱

۳/۲/۳. نظر به خصوص وجه و کفین ۵۳

۳/۲/۳/۱. دیدگاه مرحوم حکیم ۵۳

۳/۲/۳/۲. دیدگاه علامه حلی ۵۳

۳/۲/۳/۳. دیدگاه شیخ انصاری ۵۴

۳/۲/۳/۴. اشکال محقق خوئی به علامه و شیخ انصاری ۵۵

- ۳/۲/۳/۵ پاسخ مرحوم حکیم به بررسی نظریه فقهی شیخ انصاری برای روایت حسنه اول..... ۵۶
- ۳/۲/۴ جواز نظر به سایر بدن زن به ماعدای عورت ۵۷
- ۳/۲/۴/۱ نظر صاحب جواهر..... ۵۷
- ۳/۲/۴/۲ نظر مرحوم سید یزدی ۵۷
- ۳/۲/۵ مواردی که در جواز نظر مرد بر زن به قصد ازدواج شرط است ۵۸
- ۳/۲/۵/۱ نظر صاحب عروه در مورد شرایط بحث ۵۸
- ۳/۲/۵/۲ نظر امام خمینی □ در مورد شرایط بحث ۵۸
- ۳/۲/۶ بیان چند مسئله ۵۹
- ۳/۲/۶/۱ آیا تکرار نگاه جایز است؟ ۵۹
- ۳/۲/۶/۱/۱ دیدگاه اول ۵۹
- ۳/۲/۶/۱/۲ دیدگاه دوم ۵۹
- ۳/۲/۶/۲ آیا نگاه کردن زن به مرد در هنگام خاستگاری جایز است؟ ۵۹
- ۳/۲/۶/۲/۱ نظر محقق خوئی ۶۰
- ۳/۲/۶/۲/۲ رد استدلال محقق خوئی ۶۰
- ۳/۲/۶/۲/۳ نظر آیت الله بهجت ۶۱
- ۳/۳ پوشش از صبی ممیز و غیر ممیز ۶۱
- ۳/۳/۱ پوشش صبیّه (دختر نابالغ) از مردان نامحرم ۶۱
- ۳/۳/۱/۱ نظر امام خمینی □ در بیان موارد استثناء ۶۱
- ۳/۳/۱/۲ نظر آیت الله سبحانی ۶۲
- ۳/۳/۱/۳ نظر صاحب عروه ۶۲
- ۳/۳/۱/۴ نظر محقق خوئی ۶۲
- ۳/۳/۱/۵ نظر آیت الله بهجت ۶۳
- ۳/۳/۲ پوشش مرأه از صبی است ۶۴
- ۳/۳/۲/۱ نظر امام خمینی □ ۶۴
- ۳/۳/۲/۲ نظر صاحب ریاض ۶۴
- ۳/۳/۲/۳ نظر محقق خوئی ۶۴
- ۳/۳/۲/۴ نظر صاحب جواهر ۶۴
- ۳/۳/۲/۵ نظر فاضل هندی ۶۶
- ۳/۳/۲/۶ بررسی فقهی محقق خوئی ۶۶
- ۳/۳/۲/۷ نظر آیت الله سبحانی ۶۷
- ۳/۳/۳ تقبیل الرجل الصبیبه ۶۸

- ۳/۳/۳/۱. نظر آیت‌الله سبحانی ۳/۳/۳/۱ ۶۸
- ۳/۳/۳/۲. نظر امام خمینی □ ۳/۳/۳/۲ ۶۹
- ۳/۳/۳/۳. نظر آیت‌الله سیستانی ۳/۳/۳/۳ ۶۹
- ۳/۳/۳/۴. نظر صاحب عروة ۳/۳/۳/۴ ۶۹
- ۳/۳/۳/۵. نظر محقق خوئی ۳/۳/۳/۵ ۶۹
- ۳/۳/۳/۶. بررسی روایات وارده در مورد این مسئله ۳/۳/۳/۶ ۶۹
- ۳/۴. القواعد من النساء ۳/۴ ۷۰
- ۳/۴/۱. ما هو المراد من القواعد؟ ۳/۴/۱ ۷۱
- ۳/۴/۱/۱. نظر آیت‌الله سبحانی ۳/۴/۱/۱ ۷۱
- ۳/۴/۲. سؤالات صاحب جواهر ۳/۴/۲ ۷۲
- ۳/۴/۳. پاسخ صاحب جواهر به سؤالات ۳/۴/۳ ۷۲
- ۳/۴/۴. اختلاف در مقدار ابداء ۳/۴/۴ ۷۳
- ۳/۴/۴/۱. نظر محقق خوئی ۳/۴/۴/۱ ۷۳
- ۳/۴/۴/۲. بررسی مستندات قول فوق ۳/۴/۴/۲ ۷۳
- ۳/۴/۵. حکم مثل ثدی و بطن در زنان قواعد ۳/۴/۵ ۷۶
- ۳/۴/۵/۱. نظر صاحب عروه ۳/۴/۵/۱ ۷۶
- ۳/۴/۶. حکم پوشش زینت در زنان قواعد ۳/۴/۶ ۷۶
- ۳/۴/۶/۱. نظر صاحب جواهر ۳/۴/۶/۱ ۷۶
- ۳/۴/۶/۲. نظر آیت‌الله سیستانی ۳/۴/۶/۲ ۷۷
- ۳/۵. نظر به اجنبیه در مقام شهادت ۳/۵ ۷۷
- ۳/۵/۱. قسمت اول بحث پوشش وجه و یدین اجنبیه ۳/۵/۱ ۷۷
- ۳/۵/۱/۱. بررسی روایات ۳/۵/۱/۱ ۷۷
- ۳/۵/۲. قسمت دوم بحث نگاه مرد به فرج و ثدین اجنبیه ۳/۵/۲ ۸۰
- ۳/۵/۲/۱. بررسی اقوال فقها ۳/۵/۲/۱ ۸۱
- ۳/۵/۳. شهادت رجال نامحرم حاجت است یا ضرورت؟ ۳/۵/۳ ۸۲
- ۳/۶. نگاه به نامحرم جهت معالجه و طبابت ۳/۶ ۸۴
- ۳/۶/۱. دیدگاه آیت‌الله سبحانی ۳/۶/۱ ۸۴
- ۳/۶/۲. دیدگاه امام خمینی □ ۳/۶/۲ ۸۴
- ۳/۶/۳. بررسی روایت ابی حمزه ۳/۶/۳ ۸۴
- ۳/۶/۴. اشکال به تمسک به قاعده نفی اضطرار و عمومات آن در بحث ۳/۶/۴ ۸۶

۸۷	اختلاف در اشتراط (نبود مماثل) ۳/۶/۵
۸۷	دیدگاه امام خمینی □ ۳/۶/۵/۱
۸۷	دیدگاه محقق کرکی ۳/۶/۵/۲
۸۸	دیدگاه محقق خوئی ۳/۶/۵/۳
۸۸	دیدگاه مرحوم سبزواری ۳/۶/۵/۴
۹۰	دیدگاه آیت‌الله سیستانی ۳/۶/۵/۵
۹۱	زنان کفار و اهل کتاب و اهل ذمه ۳/۷
۹۱	نظر امام خمینی □ ۳/۷/۱
۹۱	نظر آیت‌الله سیستانی ۳/۷/۲
۹۱	نظر مرحوم محدث بحرانی ۳/۷/۳
۹۲	نقل روایت باب ۳/۷/۴
۹۲	حکم نگرستن به زنان غیرمسلمان از پیروان دیگر ادیان ۳/۷/۵
۹۲	نظر محقق خوئی ۳/۷/۵/۱
۹۳	نظر آیت‌الله فاضل ۳/۷/۵/۲
۹۳	حکم نگاه به زنان بادیه‌نشین «روستایی» کم حجاب و زنان بی بند و بار ۳/۸
۹۳	نظر امام خمینی □ ۳/۸/۱
۹۴	نظر صاحب عروه ۳/۸/۲
۹۴	نظر محقق خوئی ۳/۸/۳
۹۵	نظر آیت‌الله بهجت ۳/۸/۴
۹۵	تعمیم حکم به زنان شهرنشین ۳/۸/۵
۹۵	نظر مرحوم محقق نراقی ۳/۸/۵/۱
۹۵	نظر آیت‌الله سبحانی ۳/۸/۵/۲
۹۶	نظر محقق خوئی ۳/۸/۵/۳
۹۷	منابع و مأخذ

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱.۱/۱. کلیات تحقیق

۱.۱/۱. طرح مسئله

در مورد نظر به وجه و کفین نامحرم، بین فقیها اختلاف نظر وجود دارد. بعضی نظر به وجه و کفین را مطلقاً حرام می‌دانند و بعضی در صورتی که توأم با ریه باشد حرام می‌دانند؛ و در هر صورت نگاه به نامحرم استثنائاتی دارد از جمله: مقام خواستگاری، مقام علاج، زنان پیر، زنان روستایی و... و چون این موارد کاملاً در بین فقیها اختلافی است هم در اصلش و هم در حدود و ثغورش، لذا این تحقیق اختلافات نظر به نامحرم را به همراه مبانی اطراف اختلاف بررسی می‌کند.

۱.۱/۲. اهمیت و ضرورت

چون این مسئله بین فقیها اختلافی است لذا تبیین مبانی فقهی آن‌ها کاملاً پراهمیت است

۱.۱/۳. سؤالات تحقیق

سؤال اصلی: مبانی فقهی استثنائات نگاه به نامحرم از منظر متأخرین چیست؟

سؤالات فرعی:

۱. مبانی وجوب پوشش در فقه اسلامی چیست؟

۲. استثنائات پوشش در برابر نامحرم چیست؟

۱.۱/۴. فرضیه تحقیق

چون این رساله جنبه استکشافی دارد لذا فرضیه از پیش تعیین شده ندارد.

۱/۱/۵. پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته پیرامون این بحث، پایان‌نامه‌ای که به‌طور جامع به تمامی ابعاد مستثنیات نگاه به نامحرم پرداخته باشد یافت نگردید: گرچه برای این بحث پیشینه‌هایی در آثار ذیل وجود دارد:

(الف) نگاه پاک (بررسی نگاه به نامحرم مرزها و آثار آن) یاسین کمالی وحدت، ناشر مؤسسه بوستان کتاب قم (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۸۸). در این کتاب نگاه به نامحرم، محرم و نامحرم، حجاب مورد بحث قرار گرفته است؛

(ب) احکام نگاه و پوشش آرایش، روابط گفت‌وگو (مطابق با نظر ده تن از مراجع) مجتبی حسینی، ناشر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های، دفتر نشر معارف؛

(ج) احکام نگاه، حجاب، نکاح، محمدحسین فلاح زاده، ناشر دلیل ما ۱۳۹۲؛

(د) نگاه مرد و زن از منظر اخلاق و فقه اسلامی، اسماعیل غفاری قمی ۱۳۹۰، ناشر طلعه سبز؛

(ه) فقه و پوشش بانوان، علی کلانتری، ناشر بوستان کتاب دفتر تبلیغات اسلامی.

بررسی پیشینه موضوع به خوبی این موضوع را نمایان می‌کند که درباره استثنائات نگاه به نامحرم کاری جامع که شامل همه استثنائات و بررسی مبانی فقهی آن باشد ارائه نشده است.

۱/۱/۶. نوع و روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. اطلاعات با روش اسنادی و با بررسی و مطالعه منابع مکتوب اعم از کتب و مقالات موجود در کتاب‌خانه‌ها، سایت‌ها و نرم‌افزارها گردآوری شده است.

۱/۲. مفاهیم تحقیق

۱/۲/۱. حجاب

اما بررسی حجاب در لغت به این صورت است که در معجم الصحاح آمده است: حجاب به معنای پوشش است و حجاب شکم: آنچه بین قلب و غیر آن مانع می‌شود؛ و حَجَبَه: ای منعه عن الدخول، یعنی او را از داخل شدن منع کرد (...)^۱.

احمد بن فارس می‌نویسد: «حجاب به معنای منع است: حجب الحاء و الجیم و الباء اصل واحد و هو المنع»^۲.
مفردات راغب می‌نویسد: «حَجَب و حجاب به معنای منع از رسیدن است»^۳.

مصباح المنیر می‌نویسد: «الاصل فی الحجاب جسم حائل بین جسدین، قیل للستر حجاب لأنه يمنع المشاهدة»؛ اصل در حجاب جسمی است که میان دو چیز فاصله می‌شود، به «ستر» حجاب گفته می‌شود زیرا مانع از مشاهده و دیدن می‌شود.^۴

و در لسان العرب آمده است، حجاب به معنای پوشش است؛ و زمانی گفته می‌شود «حجب الشيء» یعنی آن را پوشاند.^۵

با توجه به آنچه که ذکر شد واضح است که یکی از معانی حجاب، ستر و پوشش است همچنان که به آن تصریح کرده‌اند.

حجاب در اصطلاح به معنای پوشش زن به کار رفته است، شهید مطهری در کتاب مسئله حجاب می‌فرماید:
استعمال کلمه «حجاب» در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنای پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند کلمه «ستر» را به کار برده‌اند نه کلمه «حجاب را».

۱ - جوهری، اسماعیل، تاج اللغة و صحاح الغریبة، (الحجاب: السِتر و حجاب الجوف: ما یحجُبُ بین الفؤاد و سائره و حجبه ای منعه عن الدخول).

۲ - احمد بن فارس معجم مقاییس اللغة، ج ۲ ص ۱۴۳.

۳ - راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن، ص ۱۰۶.

۴ - مقرئ فیومی، احمد، مصباح المنیر، ج ۱ و ۲، ص ۱۶۶.

۵ - محمد بن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۹۸.

بہتر بود کہ این کلمہ عوض نمی شد و ما ہمیشہ همان کلمہ «پوشش» را بہ کار می بردیم، زیرا چنانکہ گفتیم معنی شایع لغت «حجاب» پردہ است و اگر در مورد پوشش بہ کار بردہ میشود بہ اعتبار پشت پردہ واقع شدن زن است و ہمین امر موجب شدہ کہ عدۂ زیادی گمان کنند کہ اسلام خواستہ است زن ہمیشہ پشت پردہ و در خانہ محبوس باشد و بیرون نرود.

اما وظیفہ پوشش کہ اسلام برای زن مقرر کردہ است بدین معنی نیست کہ از خانہ بیرون نرود. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. در برخی کشورہای قدیم مثل ایران قدیم و ہند چنین چیزہایی وجود داشتہ است ولی در اسلام وجود ندارد.

استاد شہید مطہری در این باب می فرماید: پوشش زن در اسلام این است کہ زن در معاشرت خود با مردن بدن خود را بپوشاند و بہ جلوگیری و خود نمایی نپردازد. آیات مربوطہ ہمین معنی را ذکر می کنند و فتوای فقہای مؤید ہمین مطلب.^۱

آیت اللہ امینی در تعریف حجاب می فرماید: «حجاب یعنی لباسی کہ بدن زن را بپوشاند: اسلام بہ بانوان دستور دادہ بدن خود را بہ طور کامل بپوشاند و از نظر مردان بیگانہ محفوظ بدارند».^۲

بنابراین با توجہ بہ کلمات فقہای متقدم کہ از کلمہ ستر استفادہ کردہ اند و برخی علمای معاصر کہ بہ جای واژہ «ستر» از عنوان «حجاب» استفادہ کردہ اند بہ این نتیجہ می رسیم کہ پوشش یا ستر در اصطلاح فقہا عبارت است از پوشش ویژه ای کہ محدودہ، آن در زنان و مردان متفاوت است.

۱/۲/۲. جلیاب

جلیاب در لغت و لغویین برای جلیاب چند معنا ذکر کردہ اند:

۱- ابن منظور در کتاب لسان العرب در معنی جلیاب می فرماید: «والجلیابُ القَمِیصُ؛ و الجلیاب: ثوب أوسع من الخمار^۳، دون الرداء، و تُغَطَّى به المراءۃُ رأسها و صدرها» جلیاب جامعہ ای است بزرگتر از خمار (چارقند) و کوچکتر از عبا کہ زن بوسیله آن سر و سینه اش را می پوشاند.

۱- مطہری، مرتضی، مسألہ حجاب، ص ۷۳.

۲- امینی، ابراہیم، آشنایی با وظایف و حقوق زن، ص ۲۹.

۳- ابن منظور، محمد، لسان العرب ابن منظور، ج ۱، ص ۲۷۲.

۲- فیروز آبادی گفته «جلباب بیان است از پیراهن و یک جامه گشاد و بزرگ برای زن که از ملحفه کوچکتر است یا روپوشی مانند ملحفه است که زنان بوسیله آن همه جامه‌ای خود را می‌پوشاند یا جلباب به معنای روسری است».^۱

۳- ابن اثیر در نهایت گفته است «آزار و رداء و ملحفه هم گفته شده، و گفته شده آن مثل مقنعه است که زن بوسیله آن سر و پشت و سینه اش را می‌پوشاند و جمع آن جلابیب است».^۲

اما جلباب در اصطلاح محمدی اشتهاردی در کتاب پوشش زن در اسلام می‌فرماید: بعضی می‌گویند منظور از جلباب، چادر یا عبا است که همه بدن را می‌پوشاند.^۳

این تعریفی که مرحوم اشتهاردی نقل کردند با توجه به بعضی روایات که مردان نیز از جلباب استفاده می‌کردند معلوم می‌شود جلباب همان چادر برای زنان و عبا برای مردان است.

۱/۲/۳. خمار

خمار در لغت به معنای مطلق پوشش آمده شهید مطهری در کتاب مسئله حجاب می‌فرماید: «یعنی می‌باید روسری خود را بر روی سینه و گریبان خویش قرار دهند. البته روسری خصوصیتی ندارد مقصود پوشیدن سر و گردن و گریبان است».^۴

اما با این حال قول چند نفر از لغویین را در این رابطه بیان می‌کنیم.

خُمُر جمع خمار و در مصباح المنیر آمده است الخمار ثوب تغطی به المرأة رأسها خمار لباسی است که زن با آن سرش را می‌پوشاند.^۵

لسان العرب می‌گوید: «والخمار للمرأة، وهو التّصیف، وقیل: الخمار ما تغط به المرأة رأسها، وجمعه أخمرة و خُمُر و خُمُر»^۶ و گفته شده: خمار آنچه زن بوسیله آن سرش را می‌پوشاند؛ و جمعش: أخمرة و خُمُر و خُمُر می‌باشد.

راغب اصفهانی می‌فرماید:

۱ - فیروز آبادی، ابوطاهر محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ص ۶۵. (الجلباب: القميص و ثوب واسع للمرأة دون ملحفه او ما تغطی من ثیابها من فوق كالملحفه أو هو الخمار).

۲ - ابن اثیر، مجد الدین المبارک، النهایة فی غریب الحدیث والاثار دارالمعرفة، ج ۱، ص ۲۶۷.

۳ - محمدی اشتهاردی، ابوالقاسم، پوشش زن در اسلام، ص ۴۱.

۴ - مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، ص ۱۳۹.

۵ - فیومی، احمد، مصباح المنیر، ج ۲، ص ۱۸۱.

۶ - ابن منظور، محمد، لسان العرب ص ۲۵۷، ج ۴.

يقال لما يُسْتَرَّ به خمار لكن الخمار صار في التعارف اسما لما تُغَطِّي به المرأة رأسها وجمعه خُمُر؛ به وسیله‌ای که با آن چیزی را می‌پوشانند: خمار گفته می‌شود ولی در متعارف، اسم چیزی شده است که زن سر خود را با آن می‌پوشاند و جمعش خُمُر است.^۱

اما درباره واژه‌ی خمار در اصطلاح هم می‌توان گفت: در نزد عرب جاهلی با توجه به شأن نزول آیه ۳۱ سوره نور، به عنوان مقنعه و هر پوششی که ابتداء سر را بعد گردن و مقداری از سینه را بپوشاند به کار رفته و مفسرین در تفاسیر خود همین معنا را از واژه خمار لحاظ نموده‌اند.

۴، ۲، ۱. محارم

در لسان العرب این طور آمده است: «حُرْمُ الرَّجُلِ، عیاله و نساء و ما یحمی و هی المَحَارِمُ؛ و المَحْرَمُ ذات الرَّحِمِ فی القرباه أی لا یحل تزویجها.»؛ عیالش و زنانش و آنچه آن مرد حامی آنست و این‌ها محارم هستند؛ و محرم: دارای رحم در قرابت یعنی تزویجش حرام است.^۲

فیروز آبادی در القاموس المحيط گفته: «محارم یعنی آنچه خدای تعالی آن را حرام کرده و رحمی که محرم است یعنی تزویجش حرام است.»^۳

محارم در اصطلاح به کسانی گفته می‌شود که با انسان قرابت نسبی یا سببی و یا رضاعی دارند که بواسطه آن قرابت ازدواج با آن‌ها از نظر شرع مقدس حرام و ممنوع می‌باشد.

پس از نظر شرع مقدس محارم بر سه قسم اند: ۱- محارم نسبی ۲- محارم سببی ۳- محارم رضاعی.

۱- محارم نسبی عبارت‌اند از: پدر، مادر، اجداد پدری و مادری هر چه بالا روند، فرزندان و نوه‌ها هر چه پایین بیایند، برادر، برادرزادگان هر چه پایین آید. خواهر، خواهر زادگان هر چه پایین آیند، عمه و عمو، خاله و دایی هر چه بالا روند.

۲- محارم سببی عبارت‌اند از: پدر شوهر، پدر بزرگ شوهر هر چند بالا رود. مادر زن و مادر بزرگ زن هر چه بالا رود. عروس (همسر پسر) برای پدر شوهر - داماد (همسر دختر) برای مادر زن.

۱- راغب اصفهانی حسین، مفردات، ص ۱۵۸.

۲- ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۲۳.

۳- فیروز آبادی، ابوطاهر محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ۸۵، المحارم.

۳- محارم رضاعی عبارت‌اند از: مادر رضاعی، مادر بزرگ رضاعی هر چه بالا رود، برادر رضاعی، برادر زادگان هر چه پایین آید، خواهر رضاعی خواهر زادگان رضاعی هر چه پایین آید. آنچه بیان شد مجموع محارم کل انسان اعم از زن و یا مرد است.

۵/۲/۱. تاریخچه حجاب

۱/۲/۵/۱. حجاب در آئین زرتشت

ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن جلد ۱ صفحه‌ی ۴۳۴ درباره حجاب ایرانیان می‌گوید:

زنان طبقات بالایی اجتماع جرأت آن نداشتند که جز بر تخت روان روپوش دار، از خانه بیرون بیایند، و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمیزش کنند، زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را، و لو پدر یا برادرشان باشد، ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد.^۱ چنانکه ملاحظه می‌شود به گفته ویل دورانت حجاب سخت و شدیدی در ایران باستان حکم فرما بوده، حتی پدران و برادران نسبت به زن شوهردار نامحرم شمرده می‌شده‌اند.

مطالعه فرهنگ و تاریخ مستند ایران، جایگاه پوشش و حجاب را در این مرز و بوم در دید ناظران بخوبی ترسیم می‌کند. در این کشور که قدرت تام در اختیار شاهان بوده است و آنان بر تمامی شئون مردم، حاکم بودند و حرفشان کاملاً مطاع بوده است در عین حال در تاریخ به نمونه‌هایی بر می‌خوریم که بر اساس آن، حتی همسر پادشاه از انجام دستور وی مبنی بر حاضر شدن بدون حجاب در محفل بزم (با علم به عواقب سرپیچی) امتناع می‌ورزد و در این راستا عنوان «ملکه ایران» را از دست می‌دهد. این داستان چنین نقل شده است.

خشایار شاه هخامنشی در روز هفتم ضیافت، چون از شراب دل خوش شد هفت خواجه سرا را امر فرمود که وشتی ملکه را با تاج ملوکانه به حضور پادشاه بیاورند تا زیبایی او را به خلاق و سروران نشان دهد، زیرا که نیکو منظر بود، اما وشتی ملکه نخواست که بر حسب فرمانی که پادشاه به دست خواجه سرایان فرستاده بود بیاید، پس پادشاه بسیار خشمناک شد و غضبش در دل مشتعل گردید.^۲ این ماجرا ریشه فرهنگی و مذهبی حجاب زنان ایرانی را بخوبی نشان می‌دهد که شهبانوی ایرانی با وجود امر پادشاه حاضر به کشف حجاب معمول خود نمی‌شود.

۱- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۴.

۲- موسوی، زهره سادات، عفاف و حجاب در ادیان الهی، ص ۱۱۷.

همانطور که گفته شد زنان ایران باستان از گذشته‌ای دور دارای پوشش کاملی بودند و با توجه به آثار باقی مانده، این امر تا زمان ظهور زرتشت و نیز پس از او ادامه داشته است.

زرتشت دو اقدام مهم برای استحکام عفاف در جامعه به عمل آورده است: اول آن که با تقریر و تنفیذ خویش بر آن صحنه گذاشته و آن را امری منطبق بر شریعت خویش معرفی کرده است. دوم آن که با توصیه‌ها و پند و اندرزهای خویش کوشیده است تا پایه‌ها عفاف را که زنان ایرانی به عنوان یک فرهنگ ملی، در عرف خود رعایت می‌کردند، در عمق روح آنان مستحکم نماید و از اینطریق ضمانت اجرای قانون حجاب را در آینده نیز تأمین نماید و بدین سان، جامعه خویش را در مقابل امکان انحراف‌های اخلاقی پنهان، مراقبت نماید^۱

اینک بخشی از پند و اندرزها زرتشت به پیروان خود را نقل می‌کنیم تا بهترین گواه بر مدعای ما باشد و حرکت او در جهت تعالی و آموزش مبانی حفظ حجاب و بیان و لزوم همراه ساختن حجاب ظاهری با عفت باطنی، روشن‌تر گردد.

زرتشت می‌گوید:

ای نوعروسان و دامادان! روی سخنم با شماست؛ به اندرزم گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت در پی زندگانی پاک منشی بر آید. هر یک از شما باید در کردار نیک و مهرورزی بر دیگری پیش دستی جوید تا آن زندگانی مقدس زناشوی با خوشی و خرمی همراه باشد.

ای مردان و زنان! راه راست را دریابید و پیروی کنید. هیچگاه گرد دروغ و خوشی‌های زود گذری که تباه کننده زندگی اند، نگردید؛ زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد همچون زهر گشوده‌ای است که با شیرینی در آمیخته و همانند خورش دوزخی است. با این گونه کارها زندگانی گیتی خود را تباه مسازید. پاداش رهروان نیکی به کسی می‌رسد که هوی و هوس، خود خواهی و آرزوها باطل را از خود دور ساخته، بر نفس خویش چیره گردد. کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس، چیز دیگری نخواهد بود، فریب خوردگانی که دست به کردار زشت می‌زنند گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد و سرانجامشان خوروش و ناله است،

ولی زنان و مردانی که به اندرز و راهنمایی من گوش فرا می دهند، آرامش و خوشی زندگی بهره شان خواهد بود و سختی و رنج از آنان دور خواهد گشت و به نیک نامی جاودانه خواهد رسید.^۱ با توجه به آن که حجاب و پوشش در آن زمان بصورت کامل از طرف زنان و مردان رعایت می شده است، این پندها نشان گر آن است که زرتشت، در جهت تحکیم و تعمیق ریشه های آن گام برداشته است و این وظیفه مهم را با ارائه توصیه های لازم انجام داده است.

۱/۲/۵/۱/۱ پوشاک زرتشت

در آیین زرتشت نوع خاصی از لباس و پوشش تشریح و تأکید نشده است بلکه لباس رایج آن زمان که شامل لباس بلند، شلوار و سرپوش یعنی چادر یا شنلی بر روی آن بوده است، مورد تفریر و تنفید قرار گرفته است. هر چند که استفاده از «سدره و کشتی» لباس مذهبی ویژه زرتشتیان توصیه شده است. در توضیح این دو واژه باید گفت، سدره از نه پارچه سفید و نازک دوخته شده است و در زیر پیراهن، چسبیده به بدن پوشیده می شود. کشتی کمر بند باریکی است که از پشم گوسفند بافته شده و باید پیوسته آن را بر روی سدره به کمر ببندند. البته بر هر مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشانند.^۲

۱/۲/۵/۱/۲ پوشاک فعلی زنان زرتشتی

لباس فعلی زنان زرتشتی چنانچه هنوز هم در یزد و کرمان و دیگر جایها دیده می شود، به جز آنان که اخیراً از پوشاک غربیان تقلید کرده اند عبارت است از لچک که موی سر را کاملاً می پوشاند و روی آن دستمالی بلند یا چارقد بسته و سپس روی چارقد مکننا (مقنعه) که سر و دوش و سینه و پشت را کاملاً پوشانده و پیراهنی بلند تا پشت پا با آستین های بلند تا مچ دست و شلوار بلند شبیه به زنان لر تا قوزک پا می پوشند. ساری یا سری زنان پارسی (زرتشتیان ایرانی که در هندوستان زندگی می کنند) نیز احتمالاً از سرپوش زنان زرتشتیان هند اقتباس شده است.^۳

۱/۲/۵/۲ حجاب در آئین یهود

تشریح وجوب حجاب در دین یهود و التزام عملی زنان یهودی به انجام آن به قدری روشن و آشکار است که هر جستجو گرد حقیقت و پژوهش گر متون دینی و تاریخی به آسانی به آن دست خواهد یافت بلکه هر کس، اندکی به مطالعه بپردازد، بر مقررات سخت امت یهود در مورد حجاب آگاهی یافته از ریشه مذهبی آن مطلع می گردد.

۱ - غلامی، علی، مسأله حجاب در غرب، صص ۸۸ - ۸۹.

۲ - همان، ص ۸۸.

۳ - موسوی، زهره سادات، عفاف و حجاب در ادیان الهی، ص ۱۳۳.